

نقش باور به آخرت و شهادت در تاب‌آوری اجتماعی در زمان جنگ

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد فلاح‌زاده*

اشاره

این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه باور به شهادت و آخرت در شرایط تهدید و ناامنی‌های جنگ، به عامل مؤثری در افزایش تاب‌آوری مردم تبدیل می‌شود؟ تجربه جنگ رمضان (اسفند ۱۴۰۴) به روشنی نشان داد تاب‌آوری در شرایط تهدید و ناامنی، یکی از مهم‌ترین مباحث مرتبط با مطالعات اجتماعی است. جوامع مختلف در مواجهه با تهدیدهای امنیتی و جنگ، برخی دچار فروپاشی روانی، سردرگمی جمعی و کاهش انسجام می‌شوند؛ اما برخی با وجود شدت فشارهای بیرونی، از خود مقاومتی پایدار، انسجامی بیشتر و امید افزون‌تری بروز می‌دهند. پژوهشگران معمولاً این تفاوت‌ها را به مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، فرهنگی، روان‌شناختی و تاریخی نسبت می‌دهند؛ درحالی‌که یکی از عوامل مؤثر در بسیاری از مناطق مذهبی به‌ویژه در جهان اسلام، نقش باورهای دینی و به‌طور خاص ایمان به شهادت و آخرت است. این باورها به انسان مؤمن امکان می‌دهد تا تهدید و ناامنی را نه پایان راه، بلکه «مرحله‌ای از مسیر حرکت تکاملی» بداند و با امید به پاداش الهی، عدالت نهایی و زندگی حقیقی در جهان دیگر، از رنج‌ها و فشارهای سنگین عبور کند. این نگرش موجب افزایش ظرفیت تحمل و مقاومت در افراد و گروه‌ها می‌شود و از آنها مجموعه‌ای می‌سازد که توانایی «ایستادگی طولانی» در برابر بحران را پیدا می‌کنند. این مقاله می‌کوشد تا با استفاده از منابع معتبر به تبیین این موضوع بپردازد.

تعریف تاب‌آوری

تاب‌آوری در اصطلاح عمومی به معنای تحمل سختی و ناملایماتی است که بر انسان تحمیل

* عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

می‌شود. این واژه در اصطلاح علمی یعنی برگشت سریع و موفقیت‌آمیز به حالت قبلی پس از بروز یک ضایعه و فرایند مقابله با حوادث و پیامدهای آن. از ویژگی‌های تاب‌آوری این است که انسان را در عبور سالم از مشکلات زندگی یاری می‌رساند^۱ و انسان می‌آموزد چگونه با مشکلات، تهدیدها، فشارها و مسائلی از این قبیل سازگار شود و با وجود این، مسیر خود را ادامه دهد. مفهوم تاب‌آوری در فرهنگ غربی، معادل تحمل سختی‌ها از سر ناچاری و تحمل چیزی با کراهت است؛ اما در مفاهیم اسلامی، معادل صبر اجتماعی به مثابه یک فضیلت اخلاقی است که در فرهنگ دینی هم بر آن تأکید شده است؛ با این تفاوت که صبر دارای ابعاد و جنبه‌های مورد تأیید شرع است و اقسام مختلفی دارد؛ مانند صبر در جنگ (شجاعت)، صبر بر کف نفس از محرّمات (تقوی) واژه تاب‌آوری بیشتر در برابر سختی‌های زندگی مادی آن هم از نظر عمومی به کار می‌رود.

تاب‌آوری در فرهنگ اسلامی

روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام تاب‌آوری را سنت الهی در خلقت دنیا می‌داند؛ یعنی مواجهه با مشکلات بخشی از سنت‌های الهی است و نمی‌توان از آنها شانه خالی کرد؛ اما مهم این است که با سربلندی در برابر مشکلات مقاومت شود. امام سجاد علیه‌السلام با وجود تمامی مصیبت‌هایی که بر ایشان در حادثه کربلا و پس از آن فرود آمد، درباره تاب‌آوری می‌فرماید: «ما مِنْ جُرْعَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ جُرْعَتَيْنِ: جُرْعَةُ غَيْظٍ رَدَّهَا مُؤْمِنٌ بِحِلْمٍ، أَوْ جُرْعَةُ مُصِيبَةٍ رَدَّهَا مُؤْمِنٌ بِصَبْرٍ»^۲ نزد خداوند متعال حالتی محبوب‌تر از یکی از این دو حالت نیست: حالت خشم و عصبانیتی که مؤمن با بردباری از آن بگذرد و دیگری حالت بلا و مصیبتی که مؤمن آن را با شکیبایی بگذراند».

فرایند تاب‌آوری اسلامی

پذیرش سختی‌ها همواره نیازمند انگیزه‌ای قوی، توان کافی (در سطح فردی و اجتماعی) و محیط آماده برای آن است. این انگیزه اگر فقط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی یا ناشی از هر چیز دیگری باشد، ممکن است در گذر زمان به‌ویژه اگر مشکلات طولانی باشد، ضعیف شود یا فروپاشد؛ اما اگر انگیزه تاب‌آوری برآمده از نگاه دینی باشد، شرایط کاملاً متغیر خواهد بود؛

۱. محمدجواد سقایی‌ریا و دیگران، «نقش شناخت‌های برآمده از ایمان به آخرت در تاب‌آوری و صبر از دیدگاه

قرآن»، ص ۲۴.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۱۱.

زیرا تجربه تاب‌آوری دینی ویژگی‌هایی دارد که عبارت‌اند از:

۱. نیت خالصانه و عمل بر مبنای آن

یکی از ویژگی‌های مؤمنان، شناخت زمانه و تعیین نقش خود است. مؤمن هیچ‌گاه خود را در برابر مسائل اجتماعی و دینی بلا تکلیف رها نمی‌کند، بلکه وظیفه خود می‌داند و انکس متناسب با هر شرایطی را بروز دهد. مؤمنان در شرایط تاب‌آوری اجتماعی در گام اول، نیت الهی را مدنظر قرار می‌دهند. از نظر آنها تاب‌آوری چون به نیت الهی است (با هدف نپذیرفتن ظلم)، خشنودی خدا را به همراه دارد؛ چراکه خداوند در آیه ۲۲ سوره «رعد» آن را توصیه کرده است: «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ: و [خردمندان] کسانی هستند که برای جلب توجه پروردگارشان صبر پیشه کرده و نماز به‌پا داشتند و از آنچه روزیشان کردیم، پنهانی و آشکارا انفاق کردند و بدی را با نیکی پاک می‌کنند که سرای آخرت مخصوص آنهاست».

مؤمن هنگام مواجهه با سختی به خوبی می‌داند که سختی‌ها تمام‌شدنی و گذراست و همه چیز جز پروردگار عالم نابودشدنی است: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»^۱ هر چیزی جز ذات خدا از بین خواهد رفت، فرمانروایی [بر همه جهان هستی] مخصوص اوست و به سوی او بازگردانده خواهید شد».

۲. سپردن امور به دست خدا (توکل)

مؤمنان به توصیه قرآن، کارهای خود را به خدا می‌سپارند؛ یعنی با اینکه تمام تلاش خود را برای حل مشکلات به کار می‌گیرند، توکل به خدا می‌کنند و می‌دانند که خدا بهترین پایان را برای کار رقم می‌زند. خدای متعال برای اینکه از نظر روحی و روانی، تاب‌آوری را برای جامعه مؤمنان آسان کند، هم به به آنها دلگرمی و هم امیدواری به اینکه سختی‌ها پایان‌پذیر است؛ از این رو می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»^۲ و نباید در جنگ با دشمن سستی کنید؛ که اگر شما به رنج و زحمت می‌افتید، آنها [دشمنان] نیز [از دست شما] رنج می‌کشند؛ با این تفاوت که شما به لطف خدا امیدوارید، ولی آنها امیدی ندارند و خدا دانا و حکیم است [و امیدواران را محروم نمی‌سازد]».

۱. قصص: ۸۸.

۲. نساء: ۱۰۴.

۳. تضمین پیروزی در این دنیا

خدای متعال موفقیت این نوع تاب‌آوری (به قصد رضای خدا) را تضمین کرده است؛ یعنی نتیجه آن به یقین پیروزی است؛ زیرا در سوره «روم» می‌فرماید: «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ»^۱ و حقی که بر ماست، این است که مؤمنان را پیروزی ببخشیم». خدای متعال به مؤمنان تضمین می‌دهد که اگر پایداری بورزند و آن شرایط دشوار را با شکیبایی خود پشت سر بگذارند، به یقین از آن شرایط سر بلند بیرون می‌آیند و پیروز می‌شوند. این نوع از تحمل که انگیزه الهی دارد، دشوار است؛ چراکه با یاری خدا همراه خواهد شد و قرآن به همین موضوع اشاره دارد: «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لَا يَسْتَحْفِظُكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ»^۲ پس [در برابر مشکلات] صبر کن. وعده الهی عملی می‌شود و [مبادا دشمنان] تو را سبک کنند [که دست از مقاومت برداری]». در این باره در داستان جنگ احد آمده است که پس از شکست مسلمانان و شهادت تعداد چشمگیری از ایشان، مشرکان قریش به فکر افتادند که با تعقیب مسلمانان مدینه را غارت کنند. آنها (قریش) در جایی به نام حمراء الاسد توقف کردند. در این هنگام جبرئیل بر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد و گفت: یا محمد، خداوند فرمان می‌دهد که لشکر دشمن را دنبال کنی و کسانی که با تو در این تعقیب شرکت نمایند، باید از افرادی باشند که در جنگ احد به آنها جراحتی وارد آمده باشد. بعد از این فرمان، اصحابی که در جنگ احد جراحت و زخم دیده بودند، در صدد مداوای زخم‌های خود برآمدند تا در فرمان خداوند شرکت کنند. نتیجه کارشان هم این‌گونه آمده است: «فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ مِنَ اللَّهِ وَفَصَّلِ لَمْ يَمَسُّهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ»^۳ پس این مجروحانی که برای بار دوم آماده دفاع شدند،^۴ شبانه به دشمن حمله کردند؛ دشمن که غافلگیر شده بود، تارومار شد و مسلمانان توانستند بخشی از موجودی‌های دشمن را که ترسیده و فرار کرده بود، مصادره کنند و غنیمت بگیرند و با خود به مدینه بیاورند. آنها نه تنها توطئه را خنثی کردند، بلکه درآمدی هم برای حکومت پیغمبر در سال سوم که اوایل شکل‌گیری دولت اسلام است، به وجود آوردند.^۵ این غنیمت میان کسانی که در این حمله شرکت کرده بودند، به طور مساوی تقسیم شد و بخشی برای امور اداره مدینه به کار گرفته شد.

۱. روم: ۴۷.

۲. روم: ۶۰.

۳. آل عمران: ۱۷۴.

۴. نصر بن محمد بن احمد سمرقندی، بحرالعلوم، ج ۱، ص ۲۶۶.

۵. آیت الله سیدعلی خامنه‌ای، دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر با رهبر انقلاب، قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9769>

۴. پاداش اخروی

قرآن کریم به این نکته اشاره می‌کند که ای پیروان محمد رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بدانید که سختی‌های اقوام پیشین بیشتر از شما بود؛ ولی آنها تحمل کردند و پاداش این تحمل، پیروزی دنیوی و بهشت اخروی بود. خداوند می‌فرماید:

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْنَهَةً الْبِأْسَاءِ وَ الصَّرَاةِ وَ زُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ^۱ ای اهل ایمان، گمان مکنید که می‌توانید داخل بهشت شوید، بدون اینکه در معرض آزمایش درآیید. همچنان‌که پیش از شما گذشتگان نیز مورد آزمایش قرار گرفتند و دچار ناگواری‌ها گردیدند، تا آن‌گاه که پیامبران و پیروان آنان از پروردگار مدد خواستند که بارالها، کی ما را یاری می‌فرمائی؟ در آن هنگام به پیامبران وحی نمودیم که کمک و یاری پروردگار نزدیک است.^۲

پاداش اخروی این نوع تاب‌آوری را رسول‌خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیثی قدسی این‌گونه تأکید کرده است: مَنْ اسْتَسْلَمَ لِقَضَائِي وَ صَبَرَ عَلَيَّ بِلَانِي وَ شَكَرَ لِنِعْمَائِي كَتَبْتُ لَهُ صَدِيقًا وَ بَعَثْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الصَّادِقِينَ وَ مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي وَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَيَّ بِلَانِي وَ لَمْ يَشْكُرْ لِنِعْمَائِي فَلْيَطْلُبْ رَبًّا سِوَايَ: ^۳ هر کسی در برابر قضای من تسلیم شود و در برابر بلاهایی که بر او وارد می‌شود، تاب بیاورد و شکر نعمت‌هایم را نماید، او را در درجه صدیقین قرار می‌دهم و او را روز قیامت با صدیقین محشور می‌کنم؛ ولی اگر کسی به قضای من راضی نباشد و بلا را تحمل نکند و شکر نعمت نکند، به سراغ خدای دیگری برود [چون من به او پاداشی نمی‌دهم].

خدای متعال پاداش اخروی (اجر صابران) را برای کسانی که در راه خدا صبر می‌کنند، تضمین کرده است؛ همان‌طور که در آیه ۱۵۵ سوره «آل‌عمران» می‌فرماید: «وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ: ما شما را با سختی‌هایی مانند ترس، گرسنگی، نابودشدن اموال، بیماری یا مردن اطرافیان یا از بین رفتن

۱. بقره: ۲۱۴.

۲. سیدمحمدحسین حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۲، ص ۱۸۷؛ سیدعبدالحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۴۱۰.

۳. ابوعبدالله فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۰، ص ۶۵.

محصولات آزمایش می‌کنیم؛ ولی خوشا به حال صابران». سپس در آیه نهم سوره «زمر» می‌فرماید: «إِنَّمَا يُؤَفِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ: خدای سبحان هر عمل نیکی را طبق محاسبه و مقیاس معلومی جزا می‌دهد»؛ برای مثال می‌فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا...^۱ هر کسی کار نیک کند، ده برابر ثواب می‌برد»؛ اما درباره صابران می‌فرماید: «آنها بدون حساب عطا خواهند شد».^۲

رابطه شهادت و تاب‌آوری

۱. تأثیر باور به شهادت بر تاب‌آوری

شهادت مقوله‌ای ارزشی در مفاهیم اسلامی است که باور به آن، تاب مقاومت را بسیار بالا می‌برد و تأثیر مستقیمی نخست بر افرادی می‌نهد که به آن معتقدند و سپس جامعه را متأثر می‌کند. نخستین ویژگی باورمندان به شهادت (تریت‌شدگان مکتب شهادت)، استقامت فوق‌العاده در برابر مشکلات است. از آنجاکه پیروان این مکتب از نظر معنوی دارای مراتب عالی اخلاق و معنویت هستند، می‌کوشند این روحیه خود را با بردباری در برابر مشکلات حفظ کنند. این بردباری به آنها نیرویی می‌بخشد که حتی حاضر نیستند کمترین احساس ناراحتی از خود بروز بدهند؛ زیرا از نظر آنها این بروز ناراحتی موجب کم‌شدن اجر عملشان می‌شود. اینان به روایت امام رضا علیه السلام توجه دارند که فرخود: «مَنْ تَبَسَّمَ فِي وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَ مَنْ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ».^۳

سیره شهیدان دفاع مقدس مملو از داستان‌های رشادت‌آمیز مربوط به تاب‌آوری در برابر مشکلات است. یکی از زیباترین آنها، داستان شهید فرانسوی جنگ تحمیلی هشت‌ساله است. ژروم ایمانوئل کورسل در سال ۱۳۴۳ شمسی در شهر پاریس متولد شد. پدرش با نام محمد از مهاجران تونسی بود که برای کار به فرانسه آمد و در همان‌جا ماندگار شد. ژروم به تبعیت از مادرش مسیحی بود تا اینکه در نوجوانی همراه پدرش برای کار به تونس رفت. در آنجا عربی را آموخت و با دین اسلام آشنا شد و پس از تحقیقاتی در مورد دین اسلام، به این دین گرایش پیدا کرد. در زمان مدرسه با کانون دانشجویان مسلمان در فرانسه آشنا شد و در آنجا مشغول به

۱. انعام: ۱۶۰.

۲. محمدجواد نجفی خمینی، تفسیر آسان، ج ۲، ص ۲۲۱.

۳. شیخ حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱۲، ص ۱۲۰.

فعالیت شد. ژروم که تا آن زمان از اهل سنت بود، با آشنایی بیشتر با مذهب شیعه به طور رسمی شیعه شد و اسم خود را به کمال تغییر داد. کمال پس از تشریف به مذهب شیعه، تصمیم می‌گیرد به ایران سفر کند تا ضمن بازدید از ایران، علوم اسلامی را نیز در آنجا یاد بگیرد. او سال ۱۳۶۱ به ایران مهاجرت کرد و راهی شهر قم شد. بعد از مدتی حضور در مدرسه علمیه حجتیه، تصمیم گرفت کتاب‌های دینی را به زبان فرانسه ترجمه کند. کتب شیعه در اسلام نوشته علامه طباطبایی رحمته‌الله، مسئله حجاب اثر شهید مطهری رحمته‌الله، چهل حدیث نگاشته امام خمینی رحمته‌الله، رساله الحقوق امام سجاد علیه‌السلام و ... از ترجمه‌های وی هستند. با شروع جنگ تحمیلی، کمال علاقه زیادی به شرکت در جنگ داشت؛ اما مسئولان با این موضوع مخالفت می‌کردند. پس از چند بار پیگیری برای رفتن به جبهه، با راهنمایی بعضی از دوستانش، از طریق سپاه بدر که مخصوص مجاهدان عراقی بود، پیگیر شد. به این ترتیب در گردان شهید دستغیب ثبت‌نام کرد و به جبهه اعزام شد. عملیات کربلای دو اولین عملیاتی بود که در آن شرکت کرد. بعدها در عملیات مرصاد شرکت کرد. آقای نداوی از مسئولان گردان درباره تاب‌آوری ایشان می‌گوید: در گرماگرم عملیات مرصاد (تیرماه سال ۶۷) نیروهایی که پشت منافقین هلی‌برن (پیاده) شده بودند، سه روز بود که آب و غذا نداشتند و امیدی هم به رسیدن کمک نبود. هوای گرم تابستان نیروها را تشنه کرده بود و مجروحان ناله می‌کردند. در همین اوضاع، کمال را دیدم. نگاهم که به او افتاد، دیدم زبانش مثل استخوان سفید شده، لب‌هایش خشک و چشمانش خیلی ضعیف شده بود. گفت: آقای نداوی، آب نداری؟ گفتم: نه، باید صبر کنید. گفت: تحمل می‌کنم. بعضی از رزمندگان عراقی از وضعیت موجود ناراحت بودند و پشت بی‌سیم با داد و فریاد به فرماندهان شکایت می‌کردند. کمال لهجه عراقی را متوجه نمی‌شد، گفت: آقای نداوی، اینها چه‌شان شده است؟ گفتم: از تشنگی و گرسنگی اذیت شده‌اند و دارند به فرماندهان شکایت می‌کنند. وقتی متوجه رفتار آنان شد، با صدای بلند همه را خطاب قرار داد و گفت: «... ما امروز با این تشنگی و گرسنگی با امام حسین علیه‌السلام هم‌دردی می‌کنیم. شما امام حسین علیه‌السلام را نمی‌شناسید؟! امروز حسینی هستیم، امروز امام حسین علیه‌السلام را من شناختم. باید حسین‌گونه باشیم. امروز امام حسین با این حالت شهید شدند و زخمی شدند و بچه‌ها شهید شدند. چرا این طوری می‌کنید؟ سخنان تأثیرگذارش همه را آرام کرد. حرف‌هایش که تمام شد، با ناراحتی بلند شد و چند قدمی از ما فاصله گرفت. هنوز چند متری دور نشده بود که چند تیر به او اصابت کرد و همان جا روی زمین افتاد و شهید شد.^۱

۱. محمدصادق حسینی، کمال کورسل: تنها شهید اروپایی دفاع مقدس، ص ۶۹ - ۷۰.

در میان اهل بیت، حضرت زینب علیها السلام نماد تمام عیار تاب آوری است. شاعر اهل بیت علیهم السلام سیدحسین خوشزاد درباره ایشان چنین سروده است:
احترام عشق هم از احترام زینب است
صبر را معنا و مفهومی به نام زینب است
فرش را تا عرش پیمودن نه کار هر کسی است
این مسافت هرچه باشد زیر گام زینب است
عشق یعنی سرفرازی سرشکستن پیش یار
شیوه از سرگذشتن در مرام زینب است
گر چه جایز نیست از بهر زنان امر جهاد
چادر و پوشش نمادی از قیام زینب است

۲. کاهش ترس از مرگ

باور به مقوله شهادت سبب کاهش ترس از مرگ می شود؛ زیرا نقطه پایانی تلاش های دشمنان، ترساندن افراد از فشار حداکثری به قصد فروپاشی و درنهایت مرگ یا نابودی جامعه است. دشمنان این ترس را به وجود می آورند تا طرف مقابل را به تسلیم وادار کنند؛ درحالی که اگر انسان ها از مرگ نهراسند، نقشه دشمن از همان ابتدا با شکست روبرو می شود. از طرف دیگر، عشق به شهادت نه تنها انسان را مقاوم بار می آورد، بلکه سبب ترساندن دشمن نیز می شود؛ چون دشمن احساس می کند هیچ ابزاری برای غلبه روانی ندارد؛ از این رو به اجبار عقب نشینی می کند.

۳. ایجاد حرکت و حس پیروزی

در قاموس فکری باورمندان به شهادت چیزی با عنوان ناامیدی جای ندارد. آنان در مبارزه یا پیروز می شوند یا به شهادت می رسند که آن را هم پیروزی می دانند. قرآن کریم درباره کسانی که امیدوارانه در راهش جهاد می کنند، می فرماید: «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»^۱. ابن عباس درباره شأن نزول این آیه نقل می کند: وقتی آیه «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ...»^۲ نازل شد و این آیه در میان مردم مکه پخش

۱. نساء: ۱۰۰.

۲. «به یقین کسانی که [با ترک هجرت ازدیوار کفر و ماندن زیر سلطه کافران و مشرکان] بر خویش ستم کردند...» (نساء: ۹۷).

شد، مسلمانان مکه را سرزنش کرد که اگر در مکه (قبل از فتح شهر به دست رسول خدا) بمیرید، مسلمان از دنیا نمی‌روید. پیرمردی از قبیله بنی‌لیث به نام جندح بن حمزه گفت به خدا که من از این آیه استثنا نیستم و اگر در مکه بمیرم، جهنمی می‌شوم؛ زیرا دستور خداست که به مدینه مهاجرت کنیم. اما به‌سختی بیمار بود؛ از این‌رو به فرزندانش امر کرد او را بر تخت بنشانند و به مدینه ببرند. مقداری از مسیر را که پیمودند و به منطقه تنعیم (ده‌کیلومتری مکه) رسیدند، همان‌جا به حال احتضار افتاد. رو به مدینه کرد و گفت: خدایا، این هم عمل به فرمان رسول خدا ﷺ؛ من بیعت می‌کنم با تو بر همان بیعتی که پیامبر با تو بیعت کرد. پیرمرد به همین حال از دنیا رفت. این ماجرا در میان مردم سروصدایی به پا کرد. مشرکان گفتند عملش فایده ندارد؛ چون به مدینه نرسید. مؤمنان هم می‌گفتند اگر به مدینه می‌رسید، پاداش از خدا می‌گرفت؛ ولی نرسید. خدای متعال در پاسخ به این جوسازی‌ها، آیه پیش‌گفته سوره «نساء» را نازل کرد: «کسی که برای رضای خدا از خانه‌اش مهاجرت کند، سپس بمیرد، پاداشش با خدای متعال است»^۱. درحقیقت این فرد که از فضل خدا ناامید نشد و کارش را تحت هر شرایطی انجام داد، خدای متعال نیز پاداش او را داد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. آل‌غازی، عبدالقادر، بیان المعانی، دمشق: مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ ق.
۲. بابایی، احمد، برگزیده تفسیر، ج ۱۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲ ش.
۳. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی‌امر با رهبر انقلاب؛ در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9769>
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ ق.
۵. حسینی همدانی، سیدمحمدحسین، انوار درخشان، تحقیق: محمدباقر بهبودی، تهران: لطفی، ۱۴۰۴ ق.
۶. حسینی، محمدصادق، کمال کورسل: تنها شهید اروپایی دفاع مقدس، قم: بین‌الحرمین، ۱۳۹۳ ش.

۱. عبدالقادر آل‌غازی، بیان المعانی، ج ۵، ص ۵۹۸-۵۹۹.

۷. سقای بی‌ریا، محمدجواد؛ مصطفی کریمی؛ محمدناصر سقای بی‌ریا، «نقش شناخت‌های برآمده از ایمان به آخرت در تاب‌آوری و صبر از دیدگاه قرآن»، فصلنامه معرفت، س ۳، ش ۱۰، ۱۴۰۰ ش.

۸. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بحرالعلوم، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].

۹. طیب، سیدعبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چ ۲، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.

۱۰. فخرالدین رازی، ابوعبدالله، مفاتیح الغیب، چ ۳، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.

۱۱. فراهانی، حسن، روزشمار تاریخ معاصر ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵ ش.

۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چ ۲، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲ ش.

۱۳. نجفی خمینی، محمدجواد، تفسیر آسان، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۸ ق.